

تحقیقات روانشناسان و تجربیات پرورشکاران ما را متوجه این نکته کرده است که سالهای اولیهٔ عمر در پرورش هوش افراد انسانی نقش مهمی دارد.



یادآه جهانگرد

## لگ اولیا، در آموزش کودگان

پدران و مادران گرامی حتماً میدانند که قسمت اعظم آموزشها باید در سنین کودکی انجام گیرد. پرورفسور رولف لوکرت که، مدتها رئیس انستیتوی تحقیقات در بارهٔ جوانان و روانشناسی یادگیری در شهر مونیخ بوده چینیسن می گوید: " زمان مناسب برای رشد بدنی و پرورش هوش کودک در هشت یا هفت سالگی نیست، بلکه از سن ۴ سالگی بچه‌ها آمادهٔ فراگیری بسیاری از مفاهیم و مطالب دنیای اطراف خود هستند. درطی همین سالهاست که کودک از روی کنجکاو و به خاطرشادمانی اقدام به بسیاری از فعالیتها می کند. اگر ایسن فعالیتها از طریق مربی مجربی برنامه ریزی شود مطالب زیادی را فرا میگیرد. " روی همین اصل است که در ممالک مختلف برای آموزش های قبل از دبستان برنامه ریزیهای انجام شده و کودگان از سنین ۴ سالگی به کودگستان هدایت می شوند. در



شرط‌اینکار اینست که شما به چند اصل زیر توجه داشته و این اصول را درست به کار ببرید.

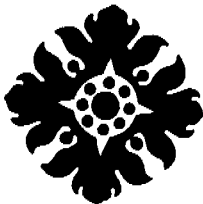
اصل اول - یاد بگیرید معلم خوبی باشید :

حتما " می پرسید معلم خوب چه صفاتی دارد؟ اگر بخواهیم همه صفات یک معلم خوب را بشماریم شاید مثنوی هفتاد من کاغذ شود. لذا فقط به ذکر چند شرط که از لحاظ تعلیم دادن موثر است اشاره می‌کنیم.

بسیاری از مردم تصور می‌کنند همینکه چیزی را بلد باشند می‌توانند به دیگران بیاموزند ولی تجربه نشان داده که این مطلب همیشه درست نبوده و هر عالمی نمی‌تواند معلم باشد و به عبارت دیگر بسیاری از دانایان نمی‌توانند دانسته‌های خود را به دیگران و بخصوص کودکان منتقل نمایند. باید بدانیم که یک معلم را با چند روش و طریقه می‌توان به فسردي یاد داد ولی بهترین روشها برای کودکان روشهایی است که حواس آنان را بیشتر به کار گیرد. به عبارت دیگر مطالب را باید برای فرزندان خردسال ملموس و محسوس کنیم. باید معتقد باشیم که آموزش هر چیزی شیوه خاصی دارد و سعی کنیم بهترین روش تدریس را در هر مورد بیاموزیم.

اصل دوم - در تعلیم دیگران باید خیلی صبور باشیم

هر آموزشی به سرعت انجام نمی‌شود. خصوصا" در تعلیم و تدریس به فرزندان خردسال آموزش سریع میسر نیست. برای شروع آموزش باید اطفال را آماده و وسایل کار را از هر لحاظ فراهم کنیم. مراحل آموزش



لطفاً " ورق بزنید

کودکستانها بسیاری از مطالب را به کمک بازیهای متنوع به کودکان می‌آموزند. دنباله کار کودکستانها یعنی آموزش به طریق بازی و سایر فعالیتهای اجتماعی بایستی در دبستانها دنبال شود، تا بچه‌ها ضمن ارضای حس کنجکاوی و بازی های علمی و عملی شادابی و طراوت خود را حفظ کنند.

مناسفانه در مملکت ما به آموزش و پرورش قبل از دبستان چندان توجه نشده و اکثر فرزندان ما دوره قبل از دبستان را نمی‌بینند. تعلیم و تربیت اطفال بطور رسمی از سن ۷ سالگی آغاز می‌شود. ولی از آنجاکه کودکان دبستانی بیشترین اوقات فراغتشان را نزد والدین می‌گذرانند لذا ایجاب می‌کند که اولیاء در تعلیم و تربیت به فرزندان خویش کمک کنند. در این قسمت یکی از مطالبیکه دنبال می‌کنیم اینست که: والدین چگونه در کشف و شکوفائی استعدادهای بالقوه فرزندانشان با معلمان همکاری نمایند.

قبل از هر چیز باید بدانید که شما در مقام پدر و مادر، قسمتی از دنیای سازنده کودک خود هستید و تاثیر مستقیم و به سزائی بروی مهمترین سالهای عمر فرزندانتان دارید. این دنیای سازنده کودک نباید دنیای بی تحرکی باشد. بلکه باید مرتبا " با فرزند خود در تبادل نظر بوده گاه مستقیم و زمانی غیر مستقیم راهنما و محرک او باشید. ضمن سرپرستی از فرزند باید به او جرات ببخشید. باید سوالات او را بشنوید و جدی بگیرید و پاسخ مناسب هم بدهید. در مقاله قبلی توصیه کردیم که کار آموزش الفبسا و خواندن و نوشتن را به علت تخصصی بودن کار، در کلاس به معلم واگذار کنید، ولی از لحاظ پرورش هوش، تفکر، تخیل و... می‌توانید کمک‌های شایانی به فرزندان خود بنمائید.

بلکه انگیزه و محرک اصلی باید حس کنجکاوی و شوق به‌کشف باشد. از طرف دیگر بچه‌ها به بازی سخت علاقمندند بنابراین در سنین دبستانی اگر آموزش را با بازی توأم کنیم و یا از طریق برانگیختن حس کنجکاوی آنان را آموزش دهیم موفقیت چشمگیر خواهد بود. اینک چند نوع آموزش ساده را بصورت بازی مطرح می‌کنیم:

### ۱- بازی بارنگها:

برای اینکه بچه‌ها با رنگها و به خصوص رنگهای اصلی آشنا شوند می‌توان از کتابچه‌های مخصوصی استفاده کرد در این کتابچه‌ها شکل رنگ آمیزی یک شیئی مثلاً "گیلاس" در صفحه کشیده و رنگ آمیزی شده است پس از آشنا کردن کودک با تصویر سئوالات در باره رنگ گیلاس، دم گیلاس، برگهای اطراف

را بانائنی طی کنیم و بعد از هر آموزش باید فرصتی برای فکر کردن و انجام تمرینات لازم به کودک بدهیم در هریک از فواصل بین آموزش و تمرین و یا آموزش بعدی باید به اندازه کافی فرصت استراحت موجود باشد.

برای آموزش به‌فرزندان باید هر روز مقداری از وقت خود را با آگاهی کامل در خدمت آنان قرار دهید. لذا لازم است قسمتی از اوقات روزانه خود را با برنامه مرتبی به فرزندان اختصاص داده و در آن اوقات بدون دغدغه خاطر به آموزش آنان مشغول شوید.

### اصل سوم - آموزش از طریق بازی:

تجربه نشان داده که در آموزش اجبار نباید عامل انجام کار باشد.



استفاده می کنیم. فوراً " س " قرمز را برداشته و به جای حرف " ص " می گذاریم بدین وسیله کودک از طریق بازی ضمن حفظ شادابی خود دیکته کلمات مشکل را به سهولت می آموزد .

پس از اتمام بازی کودک بایستی تمام حروفی را که استفاده کرده از روی لوحه برداشته و در جای خود بگذارد باین بازی علاوه بر آموختن املاء کلمات نظم ، ترتیب ، جای حروف را در جدول الفبا ( که بعضی از باسوادان ترتیب الفبا را نمیدانند ) یعنی استفاده از کتاب لغت را به او بیاد داده ایم .

بازی از طریق لمس :

معمولاً در آموزش بیشتر از حواس شنوایی و بینائی استفاده می کنند و این نوع آموزش را " آموزش بطریق

آن و . . . . . مطرح کرده و منتظر دریافت جواب از کودک می شویم و در هر قسمت که موفق به پاسخ درست نشد او را راهنمایی می کنیم تا پاسخ درست را بگوید سپس در صفحه مقابل همان تصویر که گیلاس بدون رنگ آمیزی کشیده شده از فرزندمان می خواهیم که گیلاس را رنگ آمیزی کند و همچنین در صفحات بعد شکلهای دیگر .

باین عمل علاوه بر شناساندن رنگهای اصلی دقت ، قدرت بکاربردن قلم ، و مطالب دیکتری را از طریق بازی به کودکان خود آموختهایم . برای باز شناسی رنگها می توان از کودک خواست که رنگ انشایه اطلاق را برای ما بشمارد . در این بازی بچه را وادار به تفکر ، تکلم و امثال آن کرده ایم .

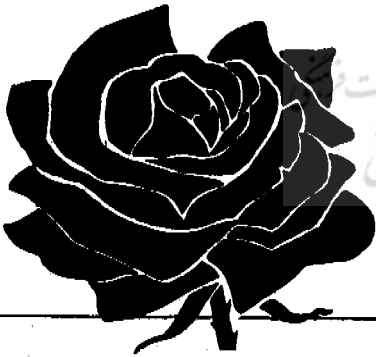
۲- بازی با حروف :

یکی از مشکلات فرزندان ما در پایان کلاس اول و کلاس دوم مساله دیکته کلمات است به کمک جعبه حروف و بازی با آن به سادگی می توان این مشکل را حل کرد .

در این جعبه از هر حرف الفبا تعداد لازم در خانه های مخصوص چیده شده است مثلاً " از حرف " ل " ۱۰ عدد و از شکل کوچک آن " ل " ۱۰ عدد با رنگ سیاه و از هر کدام آنها ۵ عدد با رنگ قرمز موجود است و پس علیهذا . . . همراه این جعبه یک صفحه مقوایی خط کشی شده با ابعاد ۲۰×۳۰ سانتی متر موجود است. نحوه بازی بدین طریق است : ابتدا کلمه ای را مثل " استکان " دیکته می کنیم . کودک باید به ترتیب حروف ( ا - س - ت - ک - ا - ن ) را با رنگ سیاه از جعبه بیرون کشیده و در جای مناسب پهلوی هم بچیند تا کلمه " استکان " درست شود . ممکن است کودک این کلمه را بدین صورت بنویسد . ( ا - ص - ت - ک - ا - ن ) در اینجا از حروف قرمز برای تصحیح کلمات



افراد مختلف تهیه شده و در دسترس بعضی از افراد قرار گرفته است . امید است . سازمان تهیه وسایل آموزشی اولاً" با استفاده از تجربیات و نظرات کارشناسان خبره این وسایل را بحد وفور و بدون نقص تهیه و در اختیار همگان و بخصوص معلمان کلاسهای اول قرار دهند. ثانياً" بطرق مقتضی این وسایل کمک آموزشی را ترویج نموده و شیوه استفاده از آنها را به همه معلمان بیاموزند. ثالثاً" با حمایت وزارت آموزش و پرورش این وسائل به قیمت ارزانی در اختیار علاقمندان قرار گیرد. نگارنده این سطور در سالها یک افتخار همکاری با معلمان را به عنوان " راهنمای تعلیماتی " به عهده داشت با استفاده از سه عدد دجه " بازی با حروف " که دست ساز بود به کمک معلمان کلاس دوم ابتدائی شرافت و دانش آموزانی که در دیکته نوشتن اشکال داشتند و یا اصلاً" حروف را نمی شناختند پس از ۲ هفته استفاده از " جعبه بازی با حروف " عقب افتادگیشان رفع می شد و مثل دانش آموزان معمولی کلاس در نوشتن دیکته توانا می شدند .



سعی و بصری " نامیده اند . برای اینکه آموزش عمیق تر باشد بایستی از حواس دیگر هم استفاده کرد . یکی از این حواس حس لامسه است . شاید شما هم این اصطلاح را شنیده اید که می گویند " فلانی اینقدر ماهر است که چشم بسته فلان کار را انجام میدهد " از حس لامسه در آموزشهای مختلف و به خصوص تعلیم الفباء ، اعداد و امثال آن می توان استفاده کرد .

اگر در آموزش الفبا بخواهیم از حس لامسه استفاده کنیم بایستی حروف الفبا را در اشکال مختلف از جسم جامدی مثل چوب یا نایلون بسازیم . سپس چشم بچهها را بسته و یکی از حروف مثل " ص " را به دست کودک میدهیم و او باید پس از دستمالی نام آن حرف را همراه با نوع آن ( بزرگ یا کوچک و ... ) بگوید. در بازی از طریق لمس می توان حروف را وارونه به دست کودک داد ( م ) و یا بعد از دادن حروف تعدادی نقطه در اختیارش بگذاریم تا با استفاده از نقطه ها " س " را " ش " و یا " ب " را " پ " کند البته آموزش از طریق لمس برای نابینایان نقش اساسی دارد ولی برای کودکان سالم نقش تفریح و تنوع در آموزش و تمرین می تواند داشته باشد .

نکته دیگری که در اینجا برای خوانندگان عزیز تذکرش لازم مینماید ، تهیه این وسائل مثل کتابچههای نقاشی بازی بارتنگ و یا جعبه های بازی با حروف و امثال آن می باشد . این قبیل وسایل از طرف سازمانها و یا

درد بر مسلم ، پرچم دار استقلال فرهنگی

آموخته بود، برای پدر بیان کرد، حسین (ع) از کار معلم و دانش آموز بقدری خوشحال شد، که دستور داد معلم را بخانه دعوت کردند، و در حضور کودک، به معلم هزار دینار و لباسهای پر قیمت هدیه داد و دهان او را از طلا پر نمود. بعضی از افرادی که آنجا حضور داشتند، از آنهمه تشویق و تعظیم تعجب کردند، اما حسین (ع) در برابر آنان فرمود: واین یقع هذامن عطائه، یعنی تعلیمه؟ (۳)

مگر توجه ندارید؟ آنچه من به معلم دادم چگونه میتواند حق او را ادا کند؟ کسی که فرزند من قرآن و دانش آموخته است باین سادگی حق او تامین نمیشود! دقت کنید:

۱- امام حسین (ع) روز اولی که فرزند او بکلاس درس میرود، از وضع درس و آموزش فرزند جویامیشود.

۲- آموزش فرزند را بقدری اهمیت میدهد، که فوراً معلم او را بخانه دعوت میکند!

۳- نتیجه دعوت هم، صرف حرف و تعاریف و تقدیر زبانی نیست، بلکه با کمک مالی او را مورد تکریم قرار میدهد و حتی "دهان معلم" را که وسیله تعلیم قرآن گردیده، انباشته از طلا میگرداند!

۴- آنوقت کودکی که، اینهمه تشویق و تقدیر را، از سوی پدر، نسبت بمعلم با چشم خود مشاهده میکند، برای معلم و درس و کلاس و کتاب و قرآن، چقدر اهمیت و قداست قائل خواهد شد؟

۳- چنانچه کودکی بر کرسی خطابه قرارگیرد و مادری چون فاطمه (ع) با آنهمه مقام بلند و عظمت درخشان علمی و معنوی، مانند شاگرد و دانش آموزی، مخاطب و مستمع کودک خود گردد، آن کودک برای "احساس وجود" و ابراز دانش و دانائی و نمایش قدرت و توانائی خود چقدر تهییج و تشویق خواهد شد؟

باری، این صحنه را با همه خصوصیات و مفاهیم و ظرافتهای اخلاقی، روانی و تربیتی آن، مقایسه کنید با وضع رفتاری و تربیتی مادرانسی که در مقابل کنجکاویهایی بلبل زبانیها و ادعاهای معصومانه و گاهی بزرگوارانه کودکان خود، بجای تشویق و تقدیر استعدادهای حساس و شکوفائی خلاقیتهای درونی آنان، گاهی با کمال تأسف، با کلمات زشت و درد آوری، مثل: توبچه هستی، از دهن تو هنوز بوی شیر میآید، این حرفها بتو نرسیده است، برو بازی خودت را بکن! خاموش میکنند!!

ب: حسین (ع) با معلم کودک خود

حسین بن علی (ع) همانطور که مرد نماز روزه و پیشوای جهاد و شهادت بود، مسائل ظریف تربیتی را نیز در ارتباط با فرزندان خود، از نظر دور نمیداشت، و از این جهت هم، بمادر زندگی آموخته است.

آنحضرت (ع) وقتی یکی از فرزندان خود را بمنظور آموختن معارف اسلام، بکلاس درس "عبدالرحمان سلمی" فرستاد، روز اول معلم "سوره حمد" را بآن کودک آموخت، و وقتی کودک به خانه بازگشت، آنچه راهمانروز

۱- بحار الانوار ج ۴۳، ص ۳۳۸ چاپ ایران

۲- معصوم دوم، ص ۲۷، از مرحوم جواد فاضل

۳- بحار الانوار ج ۴۴ ص ۱۹۱